

سير تحقيق قانون وقانونيت طى سده اخير

مؤلف:

عبدلوسع غفارس

سال ۲۰۲۱

بخش یازدهم
سیرتحقق قانون در دوره حکومت انتقالی و ریاست
جمهوری حامد کرزی
جدی سال (۱۳۸۰) الی سنبله (۱۳۹۳) هجری شمسی
دسامبر سال (۲۰۰۱) الی سپتامبر سال (۲۰۱۴) میلادی

دربحث پیرامون تحقق و حاکمیت قانون در یک نظام لازم است تا مشروعیت دولت و دولتمردان، درجه تحصیل، مسلکی بودن و تجربه کادرها، اینکه دولتمردان اراده خدمت بوطن و مردم را دارند و جهت تامین حقوق مردم، رفاه عامه و اعمار کشور چه اقدامات مثمر و عام المنفعه انجام داده و کدام قوانین را در زمینه تصویب و تطبیق نمودند؟

لذا نگاه بر سیر تطبیق قانون در این دوره پرتلاطم تاریخ کشور ما ضرورت به توضیح نکات کلیدی فوق، بانظرداشت شرایط بوجود آمده ناشی از سیاستهای بحران انگیزا بر قدرتها در منطقه از جمله کشور ما افغانستان میباشد که با نصب مهره های خود در جهت حصول اهداف و تحقق منافع خویش تلاش نموده و مینماید.

گرچه از بحث اصلی خارج میگردیم اما لازم است تا بر عوامل، انگیزه ها و جریانات این دوره که اثرات مستقیم بر رعایت و تطبیق قانون داشت، تبصره داشته باشیم.

دربخشهای قبلی متذکر شدم که یکی از پیامدهای جنگ سرد ایجاد تقویه و انکشاف سازمان های تروریستی القاعده، طالبان ودها گروپ و باندهای دیگر بود. به سلسله فعالیتها و ترویج افکار تند روانه اسلامی و فراگیری تعلیمات نظامی تروریستی، سلسله تولد و تکثر آنان در منطقه جنوب آسیا تا شاخه های افریقا انتشار یافت که طالبان یکی از چگیده های آن بود که طبق اهداف کشورهای ذیدخل در قضیه افغانستان با تدریس و اندیشه های غیر اسلامی و غیر انسانی با فراگیری تعلیمات نظامی در مدارس دینی و مذهبی پاکستان طبق خواست و آرزوی دیرینه استخبارات آن کشور ایجاد و فعالیتهای تروریستی بیشتر را در کشور ما، منطقه و جهان وسعت بخشید و میبخشند.

بنیاد گرائی و تروریسم در منطقه و بخصوص (افغانستان، پاکستان، ایران، افریقا) به اثر سیاستهای انتقامجویانه ابر قدرتها به سرعت رشد نمود و بکمک بانیان شان قدرت را در افغانستان غصب و به توسعه فعالیتهای تروریستی در همه نقاط جهان پرداختند تا آنکه طبق پلان ترسیم شده تربیه شده گان به خانه ولینعمتان خود حمله نمودند و (حادثه یازده سپتامبر) بوقوع پیوست. بابانه قراردادن حادثه تصمیم به تغییر نظام، نصب کادرهای جدید که در ذیل مطالعه مینمایید اتخاذ شد و آقای حامد کرزی را برگزیدند. حامد کرزی در ۲۴ دسامبر سال ۱۹۵۷ میلادی، در روستای کرز ولایت قندهار افغانستان تولد شده و تحصیلات دوره مکتب را در لیسه حبیبیه شهر کابل و بعداً در رشته حقوق و علوم سیاسی تا فوق لیسانس در کشور هندوستان انجام داد و قرارمدارک نشر شده در کشورهای ایتالیا و انگلستان به تحصیلات خویش ادامه داد و مدتی در امریکا اقامت داشتند. حامد کرزی بعد از هندی به پاکستان جهت مبارزه علیه تجاوز شوروی سابق به صفوف مجاهدین پیوست. موصوف ابتداء در تنظیم نجات ملی به رهبری صبغت الله مجددی فعالیت های سیاسی داشت و در دوران حکومت برهان الدین ربانی در پست معاونیت وزارت خارجه اجرای وظیفه نمود. بعد از آنکه مناسباتش با آقای قسیم (فهیم) مسئول اداره امنیت ملی آن زمان خراب شد به کندهار و بعداً با سلاح و مقدار پول نقد به شهر کویت پاکستان فرار و با گروپ طالبان بخش ملاربانی که از طرفداران ظاهر شاه بود پیوست. چون موصوف قبلاً بارگانهها و ادارات پاکستان، سفارت و قونسلی امریکا و سایر ادارات استخباراتی شناخت، ارتباط و اعتبار داشت به حیث نماینده طالبان در سازمان ملل متحد تعیین گردید.

پدرش عبدالاحد کرزی ازمتنفذان قوم پوپلزی کندهارودرسالهای دهه شصت میلادی معاون رئیس پارلمان افغانستان بود. زمانیکه پدرحامد کرزی در شهرکوئته پاکستان توسط طالبان ترورشده. حامد کرزی مبارزه جدی خود را برای سرنگونی رژیم طالبان آغازنمود.

سلطان امیرتاررمشهور به کرنل امام ازجمله فعالترین وپرتجربه ترین افسران استخبارات پاکستان بودوبا تمام رهبران وقومندانان تنظیمی ارتباط داشت وآنان را هدایت ورهنمایی میکرد و پدراصلی طالبان بود. دراداره (آی.اس.آی) نقش برجسته ای داشت. موصوف گروه های جهادی را آموزش میداد و اکثر برنامه های خرابکارانه را در داخل افغانستان تنظیم میکرد. درپیشبرد اهداف امریکا در جریان جنگ ضدروسی موفق بود. بعدا وظیفه ایجاد ورهبری طالبان به او و نصرالله بابر سپرده شد و مدتی منحیث قنصل پاکستان در هرات نیز ایفای وظیفه کرد. درمصاحبه تلویزیون «جیو»، کرنل امام از دیدارهایش با حامدکرزی و پدرش احد کرزی بمراتب یادآورشده .

گری شرون از ماموران ارشد «سیا» نیز در کتابش «ماموریت سقوط: چگونه سی.آی.ای عملیات براندازی طالبان را در افغانستان رهبری کرد؟» ازهمکاری کرزی وباراگنهای استخباراتی متذکر گردیده . آقای حامد کرزی مسلمان نسبتاً تندرومیباشد. فامیل، زادگاهش وقوم برافکارو عملکردهایش تاثیرات خاص داشته ودارد،(چراکه افکارونظریاتش همیشه درحال تغیر وتحول میباشد). پدرش توسط طالبان به شهادت رسیدند وادعاهای وجود دارد که پدرش به دستورملا محمد عمر شهید شد و انتقام قتل پدرش یکی از عواملی بود که با کمک ودستور امریکاعلیه رهبری طالبان قدهلم نماید. همان بود که بالوسيله قوای هوائی امریکا با سلاح ومهمات درشهر دهرآود ولایت ارزگان افغانستان پیاده شد وعلیه طالبان مقاومت وبغاوت راآغاز نمود. بتاریخ (۱۳ عقرب ۱۳۸۰ سال هجری شمسی) درارزگان توسط گروه طالبان محاصره و تا جلسه بن اول درآنجا بود.

باآنهم جناب کرزی نظربه عقیده تندرآوانه وتعهد اولی که با طالبان درکوئته پاکستان نموده بود جمع خصلت پشتونوالی وارتباطات قبلی وقومی درتحقق سیاستهای پنهانی مثلث استخباراتی امریکا. انگلیس. پاکستان نقش داشت.

حامد کرزی درشرایطی بحیث رئیس دولت موقت تعیین گردید که درافغانستان دولت ازهم پاشیده بود،قوای ثلاثه بشمول قوای امنیتی وجود نداشت،اقتصاد کشور به اثرچوروچپاول نا بود شده،بانکها چپاول وتهی شده وپول افغانی درمناسبات روزمره تجارتي کشور کمتر نظربه روبیه پاکستانی درچلند بوده ، بینظمی وبی امنیت درهمه نقاط افغانستان حکمفرما بود. دریک کلام تمامی ساختارهای سیاسی،اقتصادی،اداری وقانونی کشورنا بود ودرهم ریخته بود.ملوک الطوائفی درجامعه حاکم وهرجنگ سالار درمنطقه تحت تسلط اش با خشونت فرمانروائی میکردند ومردم درحالت فلاکتباریسرمیبردند.آنزمان به یک حکومت مقتدربا پایه های وسیع ،کادرهای چیزفهم، مجرب، با دانش ووطنپرست که منافع اولیای مردم وکشور را درنظر میداشتند، ضرورت بود. بخصوص اینکه درکنفرانس بن جامعه جهانی با تعهداتی کمکهای اقتصادی وسیع جهت اعمارمجدد افغانستان،وظایف و مکلفیت های متعدد را بدوش حکومت جدید گذاشت، که بصورت عموم آوردن صلح، ایجاد سیستم اداری، مبارزه علیه تروریزم ، مافیای مواد مخدره وکشت آن وسایر پروبلم های جامعه افغانستان بود.

یکی ازتحلیلگران درسایت (افغانستان رو) درباره جلسه بن نظریات خویش راابرازداشت که: حمله به افغانستان نه تنها دربخش نظامی بلکه درتمام بخشها فاقد یک استراتژی کامل واز قبل تعیین شده بود.هرچند درکنفرانس بن مسیری برای حرکت افغانستان بسوی یک فردای بهترتعیین گردید اما دراین کنفرانس بیشترتاکید به ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه مدنی بود. نه تنها خارجیان بلکه زنان ومردان افغانی که ازکشورهای خارج آمده بودند درجهت تغیرآینده افغانستان بعدازطالبان بودند،همه به این تصوربودند که پیشرفت افغانستان فقط درگروارزشهائی است که درجهان غرب بعنوان ارزش های دموکراتیک مطرح است غافل ازاین حقیقت که ارزشهای دموکراتیک درجوامع غربی ناشی ازتجارب خود ملت ها درمحیط های متفاوت ودرطول دهه های متمادی است.

بنابراین یکی از اشتباهات کنفرانس بن اول این بود که امریکا و در مجموع جهان غرب بیشتر به مشوره های افغانانی گوش دادند و عمل کردند که طی سالهای طولانی از کشور شان دور بوده و تغییر شرایط را در طول سالهای اخیر درک نکرده بودند.

اشتراک کننده گان جلسه بن اول شامل :

نمایندگان جبههء متحد :- محمد یونس قانونی- محمد قسیم فهیم- داکتر عبدالله عبدالله- حاجی عبدالقدیر- عباس کریمی- حسین انوری- عارف نورزی- مصطفی کاظمی- محمد ناطقی - آمنه افضلی و میرویس صادق .

نمایندگان جریان صلح روم به رهبر محمد ظاهر شاه مخلوع افغانستان عبارت بودند از:

- عبدالستار سیرت- عزیزالله واصفی- هدایت امین ارسلا- محمد اسحاق نادری- زلمی رسول - محمد امین فرهنگ- مصطفی طاهری- سیما ولی - رنا منصوری از جریان صلح قبرس: - همایون جریر - سید اسحاق گیلانی

و همچنان یکتعداد اشخاص از جریان صلح پشاور: از جمله انوارالحق احدی شامل بودند.

از طرف سازمان ملل متحد دهها نفر مشاور تحت نظر اخضر ابراهیمی نمایندهء خاص ملل متحد در امور افغانستان و نمایندگان کشورهای دیگر شرکت داشتند.

در ۲۲ دسامبر سال (۲۰۰۱) میلادی بنابر فیصلهء کنفرانس بن، حکومت موقت در افغانستان برهبری حامد کرزی بمیان آمد تا آغاز گرمسیری باشد که جامعهء جهانی برای افغانستان تعیین کرده بود. این مسیر بعدا با حکومت انتقالی و سرانجام به حکومت انتخابی انجامید. در این مسیر دشوار، افغانستان دو لویه جرگه را نیز تجربه کرد و دومین لویه جرگه به قانون اساسی جدیدی برای افغانستان رای مثبت داد. افغانستان به این ترتیب دارای یک نظام شد.

اما بعد از دهها سال متوجه میشویم که سنگ بنیاد این تعمیر از همان ابتدا دارای خطا و نواقص بود. دلیل آنرا میتوان همانگونه که قبلا اشاره شد در این است که تمام جریانات بعد از یازدهم سپتامبر سرعت وبدون تعیین یک استراتژی مدون سمتگیری یافت و در آن روزهای پرشتاب کسی به عمق مشکلات که در آینده می توانست چالش های جدی را موجب گردد توجهی نکرد. کارها بر بنیاد اینکه انشاءالله همه چیز خوب خواهد شد و باید به آینده خوشبین باشیم پیشرفت، انتقاد مثبت، دید بدبینانه و مترادف با مخالفت به دموکراسی که غرب بما هدیه داده بود تلقی شد و به چنین انتقادها توجهی مبذول نگردید. بعنوان مثال هیچکس به این حقیقت که طی سالها جنگ در افغانستان تجربه شده بود توجهی نکرد که گروههای تروریستی که از خارج کشور تمویل و اکمال میگرددند، سخت جان اند و با زور نمیتوان آنان از میان برد و از تاریخ حذف کرد. بعضی ها به این باوراند که باید همه جوانب از جمله طالبان در این کنفرانس شرکت میداشتند تا مشکلات بعدی بمیان نمی آمد اما با توجه به شرایط خاص آن زمان و روحیهء مردم امریکا بعد از واقعهء یازدهم سپتامبر، دعوت از طالبان برای شرکت در چنین اجلاس ناممکن بود. سقوط امارت اسلامی طالبان موجب شد تا بیش از هشت هزارتن از نیروهای مسلح طالبان در شمال افغانستان بدست نیروهای جبههء متحد اسیر گردید.

گفتگوهای بن اول (۹) روزه طول انجامید در آغاز این گفتگوها بر شکل انتقال قدرت مشکل ایجاد شد. استاد برهان الدین ربانی که در کابل عملا قدرت را در دست داشت، خواستار آن بود که تصامیم در مورد آیندهء افغانستان باید در داخل افغانستان گرفته شود اما یکتعداد به این عقیده بودند که آیندهء افغانستان بدست مجاهدین خواهد افتاد. بود به همین دلیل اعضای جناح جبهه متحد را ترغیب نمودند تا بر استاد ربانی فشار وارد کنند که آماده انتقال قدرت گردد. امریکا به جبهه متحد پیشنهاد کرد که قدرت بیشتر به حکومت آینده داده شود، آنان با از استاد ربانی خواستار انتقال قدرت شدند. استاد ربانی به این کار آماده شد اما نمایندگان جبهه متحد به دلیل اینکه نقش عمده در سرنگونی رژیم طالبان داشته اند، خواهان قدرت بیشتر در دولت جدید بودند، از قبول ظاهر شاه بعنوان رئیس حکومت موقت که به معنی بازگشت نظام سلطنتی تلقی میشد، سر باز زدند.

به تدریج موضع گیری ها شکل قومی بخود گرفت و حاجی عبدالقدیر به این دلیل که از پشتونها در دولت جدید نمایندگی واقعی صورت نگرفته است جلسه را ترک کرد. درانتخابات که صورت گرفت، عبدالستار سیرت از جناح روم بیشترین رای را بدست آورد. اما در اثر فشار امریکا و کشورهای دیگر، وی مجبور شد تا به نفع کاندید نه چندان مشهور یعنی حامد کرزی که خود در کنفرانس حضور نداشت، از حق خود بگذرد و به این ترتیب اولین اقدام دموکراتیک یعنی احترام به رای اکثریت از همان آغاز کار در اثر فشار امریکا نادیده گرفته شد و توافقنامه بن پس از بحث و مشاجره های زیاد از سوی شرکت کنندگان امضا شد.

محمد ناطقی یکی از اشتراک کننده گان کنفرانس بن در مورد برگزاری کنفرانس بن، اختلافات، بحث ها، مشارکت اقوام، چگونه گی انتخاب حامد کرزی به عنوان رییس اداره موقت که در روزنامه هشت صبح مورخ (۱۷ قوس سال ۱۳۹۶ هجری شمسی) نشر شد میگوید: کنفرانس بن پس از سقوط گروه طالبان به خاطر ایجاد یک اداره موقت و شکل گیری دولت افغانستان در شهر بن آلمان برگزار شد. من آن زمان در «اوسنابورگ» آلمان بودم و پناهنده گی سیاسی ام قبول شده بود از من دعوت شد تا من حیث نماینده حزب وحدت در جلسه شرکت کنم. روز اول دسامبر سال (۲۰۰۱ م) به بن رفتم و وارد هتل پترزبورگ شدم. آنجا هیأت اتحادیه شمال یا دولت استاد ربانی که من هم جز هیأت اتحادیه شمال بودم، آمده بودند.

روز اول در مورد شکلیات کنفرانس بود. آقای اخضر ابراهیمی یک تعریف از کنفرانس کرد و از دولت آلمان و جامعه جهانی تشکر کرد. در مورد اجندای کنفرانس با جزئیات صحبت نشد. اما گفت که باید به فکر ایجاد یک اداره موقت باشید. او گفت که با خبرنگاران قبل از وقت صحبت نشود و همین گونه روز اول سپری شد.

روز دوم جلسه بحث بالای چند مساله بود: اول باید اداره موقت ایجاد شود، فیصله شد. دوم که اداره ی موقت بر چه مبنا تشکیل شود؟ مشارکت اقوام باشد، مشارکت احزاب باشد، چه باشد؟ مساله اصلی در افغانستان اقوام بود، مشارکت اقوام تصویب شد. دیگران مشکل نداشت مگر من مشکل داشتم. بعد از جرو بحث اداره موقت و مشارکت اقوام تصویب شد. کنفرانس در روز ششم به بن بست کشید. در بحث انتخاب رییس اداره موقت آقای عبدالستار سیرت که پیشنهاد هیأت روم بود به دودلیل انتخاب نشد، یکی اختلافات میان هیأت روم پیش آمد، یک تعداد شان به صراحت به ما گفتند که او را قبول نداریم، دلایلش هم ترکیب قومی بود.

روز دیگر آقای اخضر ابراهیمی گفتند که باید کسی دیگر را پیدا کنیم. جلسه دایر شد و یک یادداشت به ما آمد که آقای حامد کرزی پیدا شده است. آقای قانونی به جلسه نیامد. دلیلش این بود که مساله انتخاب رییس اداره موقت یعنی بجای استاد ربانی باشد. استاد ربانی امکان دارد از این قضیه ناراحت شود، که یک کودتا راعلیه ما براه انداختند. بعد از اطلاعات درباره حامد کرزی پیدا شد که او مجاهد است و پدرش را طالبان کشته است. ولی در جلسه من فکر میکنم که به اتفاق آرا کرزی تایید شد. آن زمان آقای کرزی در کوه های ارزگان بود. اخضر ابراهیمی گفت که حامد کرزی را پیدا میکند تا در کنفرانس صحبت کند و فردایش حامد کرزی از طریق بی سیم صحبت کرد و بیانیه خود را به زبانهای پشتو، دری و انگلیسی خواند و تشکر کرد و نشست بن به اتفاق آرا فیصله نمود و روز اخیر جلسه کتاب را آوردند و همه ما امضا نمودیم.

موافقت نامه بن سه مرحله را برای اداره افغانستان پیش بینی کرد: اداره موقت، لویه جرگه، اداره انتقالی و بعد اداره منتخب. بخاطر تشکیل چند کمیسیون از جمله کمیسیون حقوق بشر. قانون اساسی یکی از بحث ها بود، آنجا فیصله کردیم که قانون اساسی همان قانون اساسی زمان ظاهر شاه به استثنای بخش های سلطنت.

ناطقی: خاطره جالب این بود آلمان‌ها انصافاً در این قضیه خیلی صادقانه برخورد کردند و خیلی جدی هم بودند، در حاشیه این کنفرانس آلمان‌ها با توجه با ملاحظات فرهنگی که ماه رمضان بود، در هتل مسجد درست کرده بودند، آنجا نمازی خواندیم. چیز جالب دیگر این بود که یکتعداد ما روزه می‌گرفت و یکتعداد دیگر روزه نمی‌گرفتند. آشپزها هم شب برای ما غذا آماده می‌کردند و هم روز بعدا آشپزها شکایت کردند که افغانها شب و روز غذا می‌خورند.

در سیزدهم دسامبر سال ۲۰۰۱ میلادی به دنبال ۹ روز بحث و مشاجره، شرکت کنندگان نشست بن در آلمان، یک توافقنامه دو مرحله ای را امضا کردند که سنگ بنای ایجاد نظام جدید را پس از بیست سال جنگ داخلی در افغانستان گذاشت.

براساس این توافقنامه تاریخی روی ایجاد یک حکومت موقت شش ماهه توافق کردند و همچنین پذیرفتند که برای کمک به تامین امنیت در افغانستان، پس از سالها بی ثباتی، نیروهای بین المللی حافظ صلح در افغانستان مستقر شوند. و توافقنامه بن توانست به یکی از جنجالی ترین معضلات سیاسی افغانستان درسه دهه گذشته که تقسیم قدرت سیاسی بود پایان داد و با انتخاب حامد کرزی از چهره های جهادی به عنوان رئیس اداره موقت، روند جدیدی در افغانستان آغاز شد.

کابینه به رهبری حامد کرزی (۳۰) کرسی داشت که با توجه به ترکیب قومی میان گروه های سیاسی افغان تقسیم شد. از آن جمع یازده کرسی به قوم پشتون، هشت کرسی به قوم تاجک، پنج کرسی به قوم هزاره، سه کرسی به قوم ازبک و بقیه کرسیها به سایر اقلیت های قومی رسید.

دو زن (سیما سمر و سهیلا صدیق) در وزارت های امور زنان و صحت عامه تقریر حاصل نمودند. علاوفا خانم سمر بعنوان یکی از پنج معاون آقای کرزی نیز ایفای وظیفه میکرد.

از نکات مهم توافقنامه بن، تاکید بر آزادی های اجتماعی از جمله آزادی بیان، حقوق زنان و حقوق بشر بود.

در این توافقنامه تصریح شده است که حق مردم افغانستان به انتخاب آزادانه آینده سیاسی کشورشان براساس اصول اسلامی، دموکراسی، پلورالیسم و عدالت اجتماعی تضمین شود. به سازمان ملل متحد در این توافقنامه صلاحیت داده شد تا موارد نقض حقوق بشر را تحقیق کرده و پیشنهادات و توصیه های خود را در این رابطه ارائه کند.

این توافقنامه همچنین در سطح بین المللی، کرسی دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد را احیا کرد و در بعد داخلی، خلع سلاح عمومی گروه های مسلح غیرمستول را منظور کرده و تمامی کنترل بر اوضاع کشور را به حکومت "موقت" مرکزی واگذار کرد.

براساس این توافقنامه اداره موقت شامل کابینه با (۳۰) کرسی و رئیس، کمیسیون مستقل تدویر لویه جرگه اضطراری، بانک مرکزی و دادگاه عالی بود. همچنین توافق صورت گرفت که یک کمیسیون عدلی، برای بازسازی و احیای سیستم عدلی و قضایی افغانستان "مطابق با احکام اسلامی و قواعد بین المللی" تشکیل شود.

برگزاری لویه جرگه اضطراری برای ایجاد اداره انتقالی و انتخاب رئیس اداره انتقالی ششماه پس از تشکیل اداره موقت و برگزاری لویه جرگه دیگری برای تصویب قانون اساسی جدید افغانستان، هجده ماه پس از ایجاد اداره انتقالی، از نکات مهم توافقنامه بن بود. از سازمان ملل خواسته شد با حضور نیروهای کمک به امنیت در کابل توافق کند.

در توافقنامه تصریح شد که همزمان با انتقال قدرت، تمامی گروه های جهادی، نیروهای مسلح افغانستان و سایر گروه های مسلح تحت کنترل اداره موقت درآمده و مطابق با نیازمندی های امنیتی نیروی مسلح افغانستان شناخته شوند.

حضور سربازان بین المللی دربخش دیگر توافقنامه بن از سازمان ملل متحد خواسته شد تا با حضور نظامیان بین المللی در کابل و مناطق اطراف آن توافق کند. این نیروها که جهت کمک به امنیت افغانستان اعزام می شدند. (ISAF) نیروهای یاری امنیتی نام گرفتند. گروه ها در اجلاس بن اول، توافق کردند که تمامی واحدهای نظامی خود را از کابل و سایر مناطقی که نیروهای تحت حمایت سازمان ملل متحد در آن حضور می یابند، بیرون کنند.

حامد کرزی در تاریخ پنجم دسامبر (۲۰۰۱) میلادی بر اساس فیصله تاریخی بن آلمان به عنوان رییس اداره موقت افغانستان انتخاب شد. وبتاریخ (۱۳ جون سال ۲۰۰۲ میلادی) توسط اعضای لوی جرگه به عنوان رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان انتخاب شد. حضور نیروهای بین المللی در افغانستان، تعداد دقیق نیروها و زمانبندی برای حضور آنان مشخص نشد. همچنین توافق شد که حضور این نیروها با توجه به ضرورت، به سایر مناطق افغانستان گسترش یابد.

حکومت حامد کرزی در سال (۲۰۱۴) میلادی به پایان رسید و بر اساس قانون اساسی افغانستان، یک فرد بعد از دو دور ریاست جمهوری دیگر نمی تواند برای سومین بار خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری کند. حامد کرزی بصورت کل در چهار بار زمامداری، سیزده سال در افغانستان حکومت کرد.

حامد کرزی در این مدت چالشها و فرصتهای زیادی در مسیر حکومت اش وجود داشت، موجودیت ناامنی، کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر، مداخله کشورهای خارجی بخصوص پاکستان. فساد گسترده اداری، ضعف در حاکمیت قانون و ناکام بودن فعالیت های شورای عالی صلح از جمله چالشهای بود که حامد کرزی در جریان حکومت اش با آن دست و پنجه نرم میکرد.

حضور جامعه جهانی در افغانستان فرصتی طلایی را برای حکومت حامد کرزی بود میتواندست با درایت و مدیریت مسلکی از قدرت نظامی و اقتصادی کشورهای جهان استفاده بنیادی کند اما از این فرصت به ندرت استفاده زیربنایی لازم بود صورت گرفت.

حکومت سیزده ساله حامد کرزی تا حدودی تغییرات در بخشهای نظامی، آموزشی، رعایت حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیان، آزادی رسانه ها، تکنولوژی معلوماتی، مخابرات و حقوق زنان بوجود آورد که آزادی بیان و رسانه ها یکی از دست آورد حکومت حامد کرزی یاد می شود. اما نسبت نبود یک سیاست وپالیسی مؤثر در حوزه های اقتصادی، مدیریت کمک های خارجی، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد اداری، روند صلح، مصالحه با طالبان و مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدره همواره حکومت کرزی از سوی فعالان سیاسی، اقتصادی و مدنی افغان و هم چنان کشورهای کمک کننده مورد انتقاد قرار گرفته است. امریکا به همکاری جامعه جهانی تصمیم گرفت تا تحت عنوان مبارزه علیه تروریسم، از بین بردن لانه های را که خود تعمیر نموده و تضعیف بنیه اقتصادی آنان یعنی مبارزه علیه مواد مخدره در تحقق اهداف طویل المدت خویش یعنی حضور نظامی در منطقه عمل نماید. همان بود که امریکا با بمبارانها هوایی و حملات زمینی بکمک متحدین داخلی، عملاً داخل اقدام شد و بخاطر قانونی جلوه دادن اعمال خویش، فیصله شورای امنیت سازمان ملل متحد را در زمینه حاصل و قوای نظامی تقریباً (۴۸) کشور همپیمانانش در کشور ما پیاده گردیدند. حکومت جدید به اساس تصمیم امریکا با توافق کشورهای ذیدخل در قضیه افغانستان و کنار آمدن بعضی سازمانها و تنظیمهای جهادی که نقش اساسی در جنگها سه دهه اخیر کشور ما داشتند، ایجاد وجهت قانونی جلودادن حکومت جدید خود ساخته، کنفرانس بین المللی راطبق خواست دول یکه در منطقه منافع داشتند بدون حضور ویا موافقه همه سازمانها، احزاب و گروپهای افغانی و رعایت اکثریت اعضای حاضر در جلسه شهر بن آلمان حامد کرزی را بحیث رئیس دولت موقت افغانستان تعیین نمودند.

دولت موقت که متشکل از کادرهای که اکثرشان در سطح پائین دانش علمی و عملی قرار داشتند و در محیط جنگ و عدم موجودیت قانون، حاکمیت تفنگ و تجاوز تربیه شده بودند، ایجاد گردید. طی مدت زمان لویه جرگه عنعنوی را دایره قانون اساسی دلخوا را طرح و تصویب نمود که دارای یک سلسله خلل و نواقص نظریه آن شرایط بود. طور مثال عدم ارگان نظارت کننده بر تطبیق قانون، که از تطبیق قانون در مراحل مختلف نظارت میکرد. مانند ارگان خارنوالی که از رعایت و تطبیق دقیق و یکسان قانون در همه ارگانها و موسسات دولتی نظارت کند و جلو قانون شکنیها، قانونگریزیها و نابسامانیهای رابا کادرهای مجرب و صادق بگیرد.

به تاریخ (۴ دلو ۱۳۸۳) هجری شمسی قانون اساسی جدید تصویب، وظایف دولت، حقوق و وجایب اتباع و قوای ثلاثه را تثبیت نمود، مگر بروی کاغذ باقی ماند. طور مثال دولت طبق مواد (۵ الی ۹) قانون مکلف بود تا: دولت قوانین را در جامعه تطبیق، از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دفاع نموده، امنیت را تامین نماید و به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی مکلف میباشد. از هنر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدره، تولید و استعمال مسکرات جلوگیری کند. معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثرباستانی ملکیت دولت میباشد. با تاسف قانون کمتر تطبیق گردید، بر حاکمیت ملی و تمامیت ارضی تعرض صورت گرفت. فیر هزاران راکت و توپخانه پاکستان در ولایات کنرونورستان، که صدها هم وطنما شهید وزخمی شدند و تجاوزات ادامه داشت. امنیت در سراسر کشور به شمول پایتخت و فاصله چند صد متری مقر ریاست جمهوری وجود نداشت. حتا به دروازه مرکز اداره استخبارات افغانستان، داخل وزارت داخله و داخل وزارت دفاع افغانستان حملات انتحاری و ترورها صورت گرفته و امکانات هر لحظه ترور و کشتار و بی امنیتی در هر قریه، شهر، اداره و... میرفت. تجاوز به حقوق و آزادیهای مردم، غصب اموال و جای دادها، گروگان گیری، چپاول معادن به شکل استخراج غیر فنی ادامه دارد، جنگلات غارت گردید. در زرع و تولید مواد مخدره افغانستان در سطح جهان در درجه اول قرار گرفت و سایر اعمال خلاف قانون. این مثالهای کوچک از عدم تطبیق قانون در کشور در آن دوره بود.

همچنان ماده (۳۹) قانون اساسی حکم مینماید: دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید. (وضع رقتبار مهاجرین افغان در پاکستان و زجر و شکنجه آنان توسط مسئولین امور، وضع رقتبار مهاجرین افغان در ایران بخصوص زجر، شکنجه و اعدام های خلاف قانون و شریعت اسلامی، وضع مهاجرین در سایر کشورها بخصوص یونان، سویدن و هالند قابل تشویش بود.)

ماده (۴۰) قانون اساسی حکم مینماید که ملکیت از تعرض مصئون است. (طور مثال غصب اضافه از یک ملیون زمینهای دولتی و شخصی ثبوت خوب از قانون شکنیها میباشد.) به همین شکل قانون شکنیها در نظام محدود نبود که بعداً مفصل تر خواهیم دید. جامعه جهانی با ملاحظه وضع ناهنجار و قانون شکنیهای که روزانه در افغانستان توسط حلقه زنجیری آقای کرزی در دولت افغانستان و گروههای ائتلافی که رهبری نظام را تشکیل داده بود، صورت گرفت.

در کنفرانسهای بین المللی بر علاوه تعهدات کمکهای اقتصادی جهت اعمار مجدد افغانستان و حتا بیشتر از آن، بر ضعف، فساد و قانون شکنی در اداره دولت افغانستان انتقاد نموده و بر رفع آن فساد بصراحت مسئولین نظام را متوجه ساخته، حتا متذکر شدند که نبود پلانهای منظم و عملی حکومت نتوانست تعهدات اقتصادی خویش را انجام دهند. جامعه جهانی در کنفرانس های متعدد کمکهای ذیل را تعهد نمود:

. کنفرانس توکیو (جنوری ۲۰۰۲ م) تعهد (۵،۴) میلیارد دلار کمک برای باز سازی.
. کنفرانس برلین (مارچ ۲۰۰۴ م) جامعه جهانی تعهد هشت میلیارد دلار نمود و به اساس فیصله های این کنفرانس کمکهای مذکور بیشتر در جهت اعمار افغانستان از قبیل راه سازی، تامین انرژی برق و بهبود وضع صحتی و تداوی مردم در جامعه بود. گرچه دولت مردان با تقاضای ۱۲ میلیارد دلار به کنفرانس رفته بودند. اما نسبت فقدان طرح جامع و اداره سالم در امر باز سازی، نبود پلانهای موثر انکشافی، کمکهای

کنفرانس قبلی توکیو را مصرف کرده نتوانست. بازهم توقع جامعه جهانی از دولت افغانستان مبارزه علیه فساد، ایجاد حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشریود. گرچه دولتمردان مانند همیشه تعهد کردند که برای ایجاد دولت سالم و عاری از فساد، تقویه سکتور خصوصی، مشارکت گروهی اجتماعی، بازسازی کشور و مبارزه علیه کشت، زرع و مافیای مواد مخدره تلاش مینمایند. اما افسوس

کنفرانس لندن در (فبروری ۲۰۰۶م) با شرکت ۷۰ کشور و سازمانهای تعهد ۱۰ میلیارد دالر برای بازسازی افغانستان نمودند. در کنفرانس سندی به نام " توافقنامه افغانستان " نیز به امضا رسید که براساس آن دولت افغانستان در ایجاد اداره شفاف پاسخگو میباشد و علیه فساد، تروریزم و مواد مخدره مبارزه مینماید. اما افسوس اسناد و فیصله های کنفرانس به اصطلاح درلندن فراموش شد.

کنفرانس روم (جولای ۲۰۰۷م) با تعهد ۳۶۰ میلیون دالر طی دو روز کنفرانس بین المللی تحت عنوان حاکمیت قانون در افغانستان با اشتراک آقای رئیس جمهور افغانستان و نمایندگان عالی رتبه بیش از بیست کشور و سازمان بین المللی در ایتالیا دایر گردید و بخاطر ایجاد نظام حقوقی و حاکمیت قانون و تقویت نظام عدلی و قضایی افغانستان تصامیم اتخاذ نمودند. (جهت رفع رسوائی فساد و اداره ناسالم دولت کزری جهانیان تصمیم میگیرند و مصرف آنرا هم تادیه مینمایند اما افسوس که درک و احساس در بین دولتمردان وجود نداشت)

کنفرانس پاریس (جون ۲۰۰۸ م) تعهد ۱۰ میلیارد دالربه باز سازی افغانستان نمود. گرچه بیان این مطلب با منطق اینکه تجربه هفت سال گذشته مبنی بر موجودیت فساد گسترده در حکومت، خود ثابت کننده عدم موجودیت اراده تطبیق قانون و شفافیت در دستگاه دولت بود. ایکاش با نصب کادرها چیز فهم و صادق زمینه تحقق پلانیها و اهداف در نظر گرفته موسسات بین المللی، در جهت اعمار مجدد افغانستان و رفاه مردم اقدام میکردند.

کنفرانس لندن (۸ جنوری ۲۰۱۰ م) با حضور بیش از ۷۰ کشور و نهاد های کمک کننده دایره تعهد ۱۰ میلیارد دالر را نمودند. در فقره ۲۳ و ۲۴ قطعنامه جهت رفع فساد گسترده یکه در دولت آقای کزری وجود داشت جامعه جهانی بر علاوه تعهدات، مکلفیتهای ذیل را بدوش دولت افغانستان نیز گذاشت : دولت افغانستان مبارزه علیه فساد و رفع عوامل آن با اهداف مشخص و طرح و تطبیق پلان هایکه جنبه عملی داشته باشد، اقدام نماید و بر مواد ذیل تاکید کردند:

ایجاد و تقویه اداره عالی نظارت بر تحقیق و نظارت بر اعمال مسئولین حکومتی آغشته با فساد و مبارزه علیه فساد ذریعه فرمان رئیس جمهور طی یک ماه .

ایجاد محاکم خاص در سال (۲۰۱۰ م) جهت مبارزه با فساد بشمول جرایم بزرگ و محکمه اختصاصی بخاطر مبارزه با فساد با داشتن استقلالیت قضا.

تقرر و تبدیل در رهبری حکومت با روند شایسته سالاری طبق قانون .

صدور فرمان مبنی بر اینکه رئیس جمهور اقارب خویش را در پستهای بلند دولتی مانند وزیر ، مشاور و زرا، معینان، اعضای پارلمان، والی ها ، روسای گمرکات و ریاست های عواید در حکومت مقرر نه نماید. (اما دریخ نوشته و در آفتاب گذاشته شد)

همچنان اشتراک کننده گان کنفرانس تعهد کردند تا دولت افغانستان را در مبارزه با فساد کمک نمایند و تعهد کردند که شفافیت و موثریت در کمکهای خویش به افغانستان را طبق اعلامیه کنفرانس پاریس منعقد (جون ۲۰۰۸ م) و کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد افزایش دهند.

کنفرانس بن دوم بتاريخ (۸ سپتامبر ۲۰۱۱م) با شرکت ۱۰۰ هیات نماینده گان کشورهای مختلف دایر گردید. کنفرانس جهانی بن دوم تصمیم گرفت که حد اقل تا ۱۰ سال بعد از خروج نیروهای نظامی خارجی ، افغانستان را کمک نماید.

بازهم دولت آقای کرزی موظف به اصلاحات و مبارزه با فساد اداری گردید. کنفرانس شیکاگو (۲۰ ماه می ۲۰۱۲م) تعهد ۴،۱ میلیارد دالر را نمود و جامعه جهانی با نگرانی و سئو استفاده از کمکهای خویش در زمینه رفع فساد در دولت افغانستان بحثهای داشت. چنانچه یکی از مفسرین ضمن تبصره مورخ (۲۰ ماه می ۲۰۱۲) میلادی چنین تحریر داشت:

((پاشنه آشیل غرب: طبقه سیاسی افغانستان:

وجود طبقه سیاسی متعهد و معتقد به هویت سیاسی جدید و ژئو-استراتژیک و اقتصادی افغانستان، ضرورت اجتناب ناپذیر افغانستان و جامعه جهانی محسوب میشود. طبقه سیاسی موجود در افغانستان هم در حکومت و پارلمان، اپوزیسیون، رسانه ها، احزاب سیاسی و جامعه مدنی در اکثر موارد بازتاب واقعیتهای تلخ افغانستان مانند استبداد سیاسی، شئونسم قومی-زبانی، وابستگی استخباراتی، نگرش ایدئولوژیک به دین، مافیای مواد مخدر و چپاولگری در دهه اخیر است. طور نمونه، بر اساس منابع بررسی های انجام شده، سرمایه های اندوخته شده توسط مقامات دولتی، اعضای خانواده و نزدیکان دولتمردان افغان، نمایانگر ازواج و عمق مافیایی شدن قدرت و سیاست در افغانستان است. طبق یک بررسی استخباراتی، این سرمایه نزدیک به ده میلیارد دلار آمریکایی تخمین شده است که در دهه اخیر مقامات افغان از راه های مختلف و غیرقانونی به دست آورده اند. سرمایه گذاری افغانها در دبی نمونه بارزی از این سرمایه است، به گونه ای که افغانها مقام سوم سرمایه گذاری را پس از روسها و ایرانیها در بازار املاک دبی، به دست آورده اند.))

کنفرانس توکیو (جولای ۲۰۱۲م) تعهد کمک ۱۶ میلیارد دالر را نمودند و حکومت افغانستان بازهم تعهد نمود که در تقویت حکومتداری که اساس آن رعایت حقوق بشر، حاکمیت قانون و احترام به قانون اساسی تشکیل دهد، اقدام مینماید مجدداً در تعهد خویش تکرار نمود که شرط اساسی رشد و انکشاف پایدار اقتصادی میباشد. که با حکومت سالم، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر به هدف بهبود و دستیابی به عدالت برای همه، به خصوص زنان اطمینان داد و مبارزه علیه فساد اداری را شعار قراردادها منجمله در مبارزه علیه مواد مخدره تلاش مینماید و...

گرچه بحث ما خیلی طویل گردید اما همه مطالب فوق به اثبات میرساند که دولت مردان افغانستان طی این دوره همیشه در تلاش بودند که: اولاً بکدام شکل، نیرنگ و چانه زنی کمکهای جامعه جهانی را تحت نام اعمار مجدد افغانستان جلب و تعهد آنان را اخذ نمایند. ثانیاً اگر بتوانند آن کمک ها را در چوکات بودجه دولت داخل نمایند تا دست آزاد در حیف و میل داشته باشند گرچه در کمکهای خارج از بودجه نیز سئو استفاده وافر نمودند چون: (اراده مبارزه با فساد اداری در نظام نه بود) تصامیم اتخاذ شده جامعه جهانی بروی کاغذ باقی ماند تا اینکه افغانستان را در پرتگاه نابودی قرار دادند.

با نظر داشت مطالب فوق سوال بوجود میآید که آیا جامعه جهانی با نصب کادرهای رهبری غفلت نمودند و یا قصداً بخاطر راضی نگهداشتن گروه های شریک در حکومت جدید مرتکب بزرگترین گناه تاریخی گردیدند. چرا که اکثر دولتمردان به عوض کار در جهت رفاء عامه، عامل قانون شکنها، تخلفات، جنایات و خیانت ها شدند که ما طور نمونه مروری بر آن خواهیم نمود.

اینکه دولت جدید مسئولیتها و وظایف خویش را چررا انجام نداده و یا نمیخواست انجام دهد و عوامل عمده ناکامی دولت چه بود؟

نقش عمده در ایجاد دولت کرزی، کشورهای خارجی بخصوص امریکا و متحدینش داشت که در عدم رعایت و حاکمیت قانون در این دوره نقش قابل ملاحظه داشت.

در عوامل خارجی میتوان از حکومت عقب پرده مانند نماینده خاص ویا سفیر با صلاحیت دولت امریکا که نقش اساسی داشت وهم موجودیت اضافه از صدهزار قوای نظامی بشمول استخبارات آن در کشورما حضور داشتند. به همین شکل حضور نظامی ۴۸ کشور دیگر در افغانستان. کادرهاییکه توسط آنکشورها در کابینه حکومت کرزی نصب ویا در نصب آنان مشوره دادند، میباشند.

نفوذ استخبارات دولت پاکستان در بین کادرهای رهبری دولت و تنظیمها با نظر داشت اینکه گذشته یا به اصطلاح تهداب فعالیتهای شان توسط آنان گذاشته و پایه گذاری شده و نقش اساسی در تباهی کشورما داشتند و دارند. (به اصطلاح دهان پرآب نزد استخبارات و دولت پاکستان میباشد) به همین منوال دولتمردانیکه عضویت تنظیمهای هشتگانه ایران را داشتند مانند تنظیمهای ارتباطی پاکستان، اکثراً در جهت منافع کشوریان و استخبارات آن تمایل دارند. سایر کادرها که بقاومنافع خود رادریشتیبانی کشورهای ارتباطی خود میدانند.

نقش (یوناما) در افغانستان که صاحب صلاحیت در امور دولت افغانستان تحت نام نظارت از فیصله های موسسه ملل متحد میداند نیز از عوامل خارجی در وضع نا میمون کشورما میتوان یاد آور شد. بی بند وباری و عدم رعایت نظم و قانون توسط موسسات امنیتی خارجی، انجوها و سایر ادارات خارجی، میتوان عامل دیگری ثباتی، بنظمی و نابسامانیهای کشور ما حساب نمود.

با اینکه عوامل خارجی نقش خویش را داشت و دارد اما علت اساسی در قضایای سه دهه اخیر کشورما بخصوص دوره مورد بحث (عامل داخلی) بود و میباشد ما نه باید این هم تخلفات نابسامانیها، بی اعتنائی در مقابل قانون، قانونگریزیها و خلاصه اینهمه بیتفاوتیها و جنایات را بدوش خارجیان انداخت. اگر واقعاً دولت مردان روحیه وطن و مردم دوستی میداشتند، خارجیان هرگز جرئت جنایات مکرر و تسلسل آنها نمیداشتند و مرتکب نمیگردیدند. لذا عامل عمده در بروز حوادث رقتبار و فساد گسترده در کشورما، عامل داخلی میباشد که نقش کادرها، تربیه، سواد، تحصیلات و رشته تحصیل، عدم روحیه مردم وطن دوستی آنان، ترجیح دادن منافع شخصی بر منافع عامه، خلاصه عدم خدمت به وطن و مردم میباشد. چون تهداب اکثر آنان خدمت بدول اجنبی در مقابل پول و منفعتهای شخصی و گروهی بود و است. آیا کدام دلیل دیگر وجود دارد؟ طوریکه بملاحظه میرسد طی سالهای حکومتش بمراتب تروریستان و جنایتکاران که دشمنان مردم ما بودند و میباشد با آنکه با بم ها، واسکتهای انتحاری، سلاح و مهمات دستیگر شدند، توسط آقای کرزی و یا به وساطت این و آن رها گردیدند و رها شده گان با تجربه بیشتر دوباره به کشتار و فعالیتهای جنایتکارانه شان ادامه داده و مرتکب شهادت صدها هموطن دیگرما گردیده و سلسله جنایات شان با دلسوزی آقای کرزی ادامه دارد.

بر علاوه یکتعداد قاتلین و تروریستان که مرتکب شهادت هزاران هموطنان ما شده اند و عملاً مصروف اعمال جنایتکارانه میباشد و نام شان در لست سیاه امریکا و شورای امنیت ملل متحد ثبت بود به اثر تلاش و تقاضای جناب کرزی از لست مذکور حذف و فعلاً در جهت کشتار و تباهی کشورما فعالیت مینمایند. بر علاوه تعداد قابل ملاحظه متجاوزین به حقوق و ناموس مردم (زنان، اطفال و نوجوانان) که از جمله زورمندان و یا نزدیکان دولتمردان میباشد به ندرت تحت پیگرد قانون قرار گرفتند که مثالهای زیاد وجود دارد. غاصبان ملیونها جریب زمین دولتی و شخصی از مصئونیت قضائی برخوردار بوده، دستگیر و محاکمه نمیگردند و...

همه این نابسامانیها و قانون شکنیها عوامل متعدد و مختلف دارد.

سوالات متعدد بوجود میآید که چرا آقای کرزی با داشتن تحصیلات عالی مسلکی حقوقی کمتر در جهت رعایت نظم و حاکمیت قانون اقدام می نماید.

آیا افکار و ایده های شخصی کرزی در تائید جنایات طالبان و جنایتکاران میباشد؟

آیا تحت فشار فامیل، قوم و قبیله یا گروههای و متحدانش قرار داشت؟

آیا فشار مخفی امریکا و شرکایش در قضیه افغانستان عامل تزلزل فکری شان شد؟

آیا حکومت عقب پرده مانع حاکمیت قانون در جهت منافع مردم گردید؟

آیا هدف شان از توسعه جنگهای بیشتر و ویرانی، از بین رفتن زیر بناهای اقتصادی و وطنما و کشورهای منطقه جهت هموار نمودن بستر بهتر سرمایه گذاری کشورهای سرمایه دار در آینده میباشد، مانند کشورهای عربی

؟

آیا فشارهای مثلث استخباراتی جهت تحقق منافع شان در منطقه بود ؟
آیا فشار متحدین داخلی اش میباشد که جهت بدست آوردن منافع شخصی در چپاول و غصب بیشتر سرمایه با استفاده از قدرت دولتی عمل نمایند، آزادانه و بیشتر از گذشته وظایف خویش را در جهت چور و چپاول، غصب دارائیهای مردم و دولت، قتل و کشتار، تجاوز به حقوق مردم که جز اخلاق و خصلت شان شده بود عمل نمایند. که با این اعمال زمینه های فساد را در همه سطوح کشور بوجود آورند و در سطح جهان مقام اول را در قانون شکنی، فساد، زرع و تولید مواد مخدره کسب نموده اند. شاید جناب کرزی تحت شعار (از کمنا می کرده بد نامی بهتر است) وظایف خویش را انجام داد. علاوه آقای کرزی در محفل توزیع دیپلومه های محصلان پوهنتون کابل فرمودند که: (..مقام ریاست جمهوری را که فعلاً بدست آورده ام به زودی رها نمیکنم) برای شان بیتفاوت خواهد بود که در وطن چه میگذرد. سئو استفاده، فساد و عدم رعایت و تطبیق قانون، عامل برپادی وطن و تباهی مردم شده و میشود. اما فعلاً اکثر دولتمردان به سرمایه داران بزرگ در کشور و منطقه تبدیل گردیده اند. انگیزه بی تفاوتیهای حکومت کرزی شاید دلایل فوق باشد و یا مطالب دیگر... با آنکه در همه کنفرانسهای بین المللی از فساد و عدم حاکمیت قانون در حکومت کرزی یادآوری شده و جناب شان را متوجه آینده ساخته اند و آقای کرزی در همه کنفرانسها متذکره تعهد در جهت اصلاح اداره نمودند اما افسوس که در جهت عملی نمودن فیصله ها و تعهدات خویش کمتر عمل نمودند.

با نظرداشت توضیح فوق بر میگردیم بر قانونیت و مشروعیت دولت در این دوره.
رهبری دولت کمتر در جهت ملت سازی، سهم نمودن سازمانها، احزاب و ایجاد روحیه وحدت، حاکمیت سیاسی که رعایت پرنسیپهای حقوقی را جهت حاکمیت قانون و قانونیت اصل عمده آنرا تشکیل میدهد توجه داشت. در جریان توضیحات بعدی روشن خواهد شد.

با نظرداشت پرنسیپهای حقوقی فوق نظام یا دولت آقای کرزی را در پرتو مطالب ذیل ملاحظه مینمائیم :

۱. بوجود آمدن نظام، ساختار و کادرها یا دولتمردان

۲. اهداف و عملکردهای نظام

۳. مناسبات داخلی نظام (روابط کاری قوای ثلاثه)

۴. شیوه برخورد دولتمردان با مردم .

۱. طوریکه فوقاً متذکر شدیم دولت موقت طبق پلانهای قبلی تحت نام مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدره و یا انتقام از حادثه یازدهم سپتامبر سال (۲۰۰۱) میلادی نیویارک، به اساس کنار آمدن و چانه زدنهای تنظیمیهای متخاصم جهادی و جنگ سالاران بشکل شراکت در تقسیم چوکیها و قدرت دولت، تشکیل و طبق پروگرام تعیین شده، ایجاد گردید.

چون در ایجاد دولت جدید، مردم نقش مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق سازمانهای سیاسی، نهاد های مدنی و سایر سازمانهای اجتماعی نداشتند و سهم مردم کم رنگ بود حتی اکثریت آرای اشتراک کننده گان داخل جلسه بن در نظر گرفته نشد، دولت موقت طبق آرزوی امریکا و متحدینش بوجود آمد. لذا از نگاهی حقوقی: دولت ایجاد شده قانونی و مشروع گفته نمیشود. دولت جدید با نظرداشت ماهیت و شکل گیری آن، قانون اساسی را طبق افکار و نظریات دولت مردان که در آن منافع مردم و وطن کم رنگ بملاحظه میرسد، طبق منافع گروه های متشکله دولت طرح و تصویب نمودند که نمونه آن رامواد (۶ . ۱۰ . ۱۱) قانون اساسی یاد آورد که طبق آن :

(دولت، سرمایه گزاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید . امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم میگردد. دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی،

تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.)

دولت زمانی میتواند نظام اقتصادی را مبتنی بر اقتصاد بازار ایجاد نماید که در کشور حاکمیت قانون، دموکراسی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، خلاصه عدالت اجتماعی رعایت گردد. اما دولت جدید اقتصاد بازار را در شرایط مطرح کرد که در نظام قبلی عقب مانده تحجری طالبان، از عدالت، دموکراسی، رعایت حقوق و آزادیهای انسانی کمترین نظر میرسد علاوه بر جنگسالاری به اشکال متعدد در مناطق مختلف کشور با ایجاد نظام ملوک الطوائفی حقوق و آزادیهای هموطنان را پایمال میکردند. نظام جدید که اکثراً متشکل از همان جنگ سالاران بود، طی سه دهه اخیر با روحیه حصول منافع شخصی در خدمت دشمنان وطن و مردم قرارداد شدند و از جانب دیگر با چور و چپاول، غصب دارائیهای عامه و خصوصی ودها اعمال خلاف قانون به سرمایه داران بزرگ در افغانستان تبدیل گردیده و بخاطر بدست آوردن منافع بیشتر با استفاده از قدرت دولتی و سیستم اقتصاد بازار که در قانون اساسی تسجیل نمودند، گرچه دولتمردان به حاکمیت قانون در جامعه اعتقاد و اراده نداشتند، با تسجیل نمودن آن در قانون اساسی زمینه های بیشتر و بهتر زراندوزی را با امکانات بیشتر در چوکات قانون برای خویش مهیا نمودند. ایجاد نظام اقتصاد بازار آزاد در چنین شرایط زهری بود و میباشد که بر حلقوم اکثریت جامعه، بخصوص (طبقه غریب) انداخته شد و میشود.

هرگاه دولت کرسی هدف خدمت ب مردم و وطن را میداشت، در آن شرایط که فقر و غربت، مریضی و بی سرپناهی، حیات ملیونها هموطنان را تهدید مینموده، با طرح پلانهای مثبت و قابل تطبیق، نقش سکتور مختلط و حتی سکتور دولتی را در جهت منافع و مصالح مردم که سه دهه جنگ، زنده گی شان را از هر نگاه تبا و ویران گردیده بود، تقویه و در جهت ایجاد جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی سعی و تلاش میورزید. گرچه جناب کرسی حین کسب قدرت طبق ماده (۶۳) قانون اساسی به مردم کشور چنین تعهد نمودند:

(به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم. قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم) اما افسوس که آقای کرسی نسبت معضلات متعدد که جناب شان بوجود آوردند، نه خواستند و نتوانستند که به اکثر تعهدات خویش عمل نمایند. دهها نمونه دیگر از خلا و نواقص عمدی و یا غیر عمدی در قانون اساسی دولت کرسی بملاحظه میرسد.

رهبران دولت جدید یا دولتمردان اکثرشان در جنگ تولد و بزرگ شدند. از نعمت سواد، تحصیل و تربیه لازم بهره کافی نداشته، در امور دولت، وظایف اداری بلدیت و تجربه لازم نداشتند. در جنگ با اخلاق و کلتور خشن، زجر و شکنجه، قتل و کشتار، تخریب و ویرانی تربیه و عادت نموده بودند، اکثر طبق هدایت رهبران تنظیمها در مظالم و قانون شکنیها عمل می نمودند. آنان بودند بر علاوه یک از مردمان دردهات، قراء، قصبات و شهرها جزیه میگرفتند، با تهدید و استعمال سلاح اقدام به غصب، تصاحب، چور و چپاول، حریق اموال شخصی و دولتی اقدام نمودند. (طور مثال قرار ارقام نشر شده در مطبوعات به اثر چپاول و غارت اموال دولتی و شخصی در شاهراه سالنگ اضافه از (۲۰۰۰) عراده موترهای کاماز شرکت افسوتر و دیگر موسسات دولتی را که ملکیت عامه و یا عراده جات شخصی بود، ابتداء اموالشان را غارت و عراده جات را حریق نمودند و اضافه از (۵۰۰) درپور را شهید نمودند که اسما و سوانح اکثر درپوران شهید در لوحه یادگاری ریاست افسوتر حک و نصب شده بود) یکتعداد آن جنایات کارکنان فعلا مسئولین ادارات امنیتی و یا در بخشهای مختلف دولت عهده دار وظایف مهم شدند. علاوه بر قابل تذکر و دقت میباشد که یکتعداد از کادرهای فعلی دولت قبلاً مجریان اهداف دشمنان وطن و مردم ما بودند و مرتکب اعمال متعدد خلاف قانون و علیه منافع مردم و کشور گردیدند. طور مثال آقای عبدالجبار ثابت لوی خازنوال دولت

کرزی در مصاحبه مطبوعاتی بیان داشت : وزیردفاع دولت، تحت نام جهاد طبق دساتیراستخبارات پاکستان اقدام به تخریب بند برق نغلو که ملکیت عامه وازجمله بزرگترین دستگاہ برق افغانستان بود، نمود. هدف پاکستان ازتاریخ تولد ش الی امروزویرانی وتخریب کشورمابود ومیباشد. نمونه ازهزاران اهداف شوم پاکستان یکی هم عمل تخریب کارانه جناب وزیردفاع وگرویش بود. خوشبختانه جلوعمل جنایتکاران فوق واستخبارات پاکستان توسط قوای امنیتی آنوقت گرفته وگروپ چرنیکی مربوط استخبارات پاکستان فرارنمودند. آیا جناب شان فکرنمیکرد که پروژه برق ملکیت شخصی رژیم آن وقت نبود بلکه ملکیت بیت المال وبخاطررفاه عامه ازپول بیت المال احداث شده بود. جناب وزیردفاع به همان روحیه منافع شخصی در دوره وزرات دفاع نیزکارنمود چنانچه (قراردادهای بزرگ اکمالاتی قوای ناتو وسایرقراردادهایکه عواید هنگفت داشت باقاریش عقد نمود) وفعلأ ازسرمایداران کشور محسوب میگردند. به همین شکل صدها کادرحکومت کرزی با داشتن همچوسوابق فعلأ به سرمایه داران بزرگ تبدیل گردیده اند ودرتحقق اهداف دشمنان وطن وحصول منافع شخصی طی سه دهه اخیرمرتکب اعمال خلاف وتخلفات علیه منافع مردم وکشورش شدند.

اعمال دولتمردان وسئواستفاده آنان اثرات منفی بالای کشورهای کمک کننده خارجی گذاشت، چنانچه تقریباً سوم حصه کمکهای جهانی دررابطه به اعمارمجدد افغانستان، داخل کشورنگردیده وبلااثروساطت دولتمندان درخارج کشورحیف ومیل گردیده وادامه دارد. لذا عامل اصلی فساد درافغانستان یک تعداد کادرها ورهبران دولت بودند.

با آنکه ازنظرشکلی تا حدودی کاردرکشورازقبیل ساختمانهای بلند منزل، اعمار مکاتب ، مدارس، پوهنتونها، توجه نسبی به معارف درچوکات معینه، توجه به سپورت، آزادی نسبی نشرات وبیان، توسعه رسانه های چاپی وتصویری، توسعه کلینکها، شفاخانه ها، امتداد و ترمیم سرک های بی کیفیت، توسعه شبکه های برق وارداتی ازکشورهای همجوار، احداث شرکتهای متعدد دربخشهای مختلف به شمول ترانسپورت زمینی وهوائی، تصویب قوانین و صدور فرامین متعدد اکثرأ روی کاغذ باقی مانده، بیش از ۱۱۰ حزب وسازمان سیاسی تاسیس وثبت شده (که اساسنامه وبرنامه اکثرأحزاب مذکور درتضاد با منافع و وحدت ملی میباشد، علاوئاً تاسیس احزاب مذکوردرکشورما شکل تفنن را بخود گرفته) ، بلند رفتن حجم واردات اموال بی کیفیت وبعضأ غیرضروری و... که بصورت عموم منافع دولت مردان در آن نهفته بود.

کارهای انجام شده اکثرأ بنیادی ودرجهت منافع مردم وکشورصورت نه گرفته. ازیکطرف روحیه مردم دوستی وطنپرستی دراكثرکادرها کمتریه نظر میرسد وازجانب دیگراکثرکادر به اساس تخصص، فهم، دانش ، مسلک ولیاقت درپستهای دولتی نصب نگردیده اند، طور نمونه وزارت آب وبرق که نقش عمده درتوسعه، انکشاف کشور ورفاه عامه دارد، باید یک کادرمسلکی وبا تجربه مقرر میگردید (جای تاسف است که کابل اولین پایتخت درجهان بود ومیباشد که ازنعمت روشنائی برق، ضرورت عادی زنده گی انسانان میباشد، بی بهره است) با تاسف که پست این وزارت حساس که منافع مردم وجامعه درآن نهفته میباشد، به اساس مصلحتهای نظام به یکی ازجنگسالاران معروف غیرمسلکی که فعلأ به امیراسماعیل خان مشهورگردیده، رسید. هرگاه نگاهی برعملکردهای گذشته جناب شان نظر باندازیم قوماندان اسماعیل وهمرزمانش تحت نام جهاد مرتکب اعمال غیرقانونی مختلف ازجمله غصب اموال وجایداد های مردم شدند. گرچه بعد ازیقدرت رسیدن بمقام ولایت هرات تاحدودی در اعمارشهرهرات ازعايد کمرک اسلام قلعه بشکل غیرقانونی کارنمودند . ولی مرتکب سئواستفاده های متعدد ازقبیل غصب زمینهای دولتی وشخصی ، سلب وااتلاف حقوق و آزادیهای یکتعداد هموطنانما، استفاده سئوازپول کمرک هرات در جهت منافع شخصی و وغیره اعمال خلاف قانون گردیده است. چنانچه آقای لودین آمر اداره عالی مبارزه با فساد اداری ضمن مصاحبه مطبوعاتی درباره بررسی قضایای غصب زمین های دولتی و شخصی گفتند که: محمداسماعیل خان وزیرانرژی و آب به غصب زمین های دولتی در ولایت

هرات متهم می باشد و ارزش این زمین ها در حدود یکصد میلیون دلار بالغ میشود. آقای اسماعیل خان و برخی دیگر از قدرتمندان متحداً در غصب زمینها سهیم میباشند.

آقای لودین در گفتگویی با بی بی سی افزود که پرونده مربوط به تخلفات مذکور به لوی خارنوالی افغانستان منتقل شده و قرار است در این مورد تحقیق شود و افزودند که: (خانه عبدالمجید خان که قبلاً به دولت تحویل داده شده بود قیمت بسیار بلند دارد، وزیرصاحب اسماعیل خان آنرا به نام خود کرده و یک قسمت آن هم به نام خانم محترمه شان است.) (چون اسماعیل خان معافیت اعمال جرمی داشت و دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نگرفت و شاید تحت تعقیب عدلی قرار نگیرد)

عدم مسلکی بودن و استفاده جوئی وزیرآب و برق سبب گردیده که با وجود ملیاردها دالر کمک جامعه جهانی تحت نام اعمار مجدد افغانستان که اعمار پروژه های برق در اولیتهای میباشد، اقدام به اعمار کدام پروژه برق آبی ویا ترمیم وفعال ساختن پروژه های برق آبی کشورنه نمودند تنها به توریید نیروی انژی برق اقدام نمودند. در حالیکه دهها پروژه قبلی برق در کشور ما وجود دارد که با مصرف کم ترمیم میشوند و توسعه یابد تا ضرورت مردم از ناحیه برق مرفوع گرداند. اما افسوس

عدم موجودیت ساختار منظم دولتی، سطح پائین سواد و... لذا عدم موجودیت نظم و حاکمیت قانون در جامعه، تداوم جنگ و نا امنی چالش های اساسی را در برابر پروسه دولت سازی قراردادده به همین دلیل است که همه بشمول رئیس جمهور از قانون شکنی شکایت داشتند.

رئیس جمهور و در مجموع قوه اجرائیه از نابسامانی و فساد ناله و فغان شان سراسر دنیا را گرفت چنانچه رئیس جمهور آقای کرزی بتاريخ (۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۲ م) در مراسمی که به مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد در کابل برگزار شده بود چنین سخنرانی کردند:

زورگویی یکی از عوامل فساد است. سوال (وظایف رئیس دولت در زمینه چیست؟) اضافه کردند: برای مبارزه موثر با فساد اداری در افغانستان، کشور های خارجی نباید با ماموران دولتی قرارداد ببندند. سوال (آیا نظارت از رعایت قانون و کنترل در ادارات و وظیفه دولت در راس رئیس جمهور است یا نه؟) آقای کرزی فرمودند: قانون شکنیها و واسطه بازیها در حکومت زمینه فساد را مساعد کرده است. سوال (وظیفه دولت در زمینه چیست؟)

همچنان اضافه نمودند که: همکاران خارجی افغانستان درده سال گذشته نه تنها برای تطبیق قانون همکاری نکردند، بلکه خود مانع بودند. سوال (طبق ماده ۵ قانون اساسی آیا تطبیق قانون و وظیفه دولت میباشد یا خارجیان)

در حالیکه یکی از تعهدات اساسی دولت افغانستان به جامعه جهانی در کنفرانس بن دوم، مبارزه با فساد اداری و حکومتداری خوب بود و تعهد جهانی برای حمایت از افغانستان تا سال (۲۰۲۴م) نیز مشروط به همین دو نکته بود و میباشد.

اما جای تاسف میباشد که رئیس جمهور توضیح دادند که: در داخل افغانستان و درون نظام واسطه بازی و معافیت زیاد است، پشت هر خراب کار واسطه میآید از اجتماع مردمی گرفته تا به بزرگان دولت و حکومت واسطه جریان دارد در هر مورد.

آقای کرزی اضافه نمودند که: برای کاهش فساد در افغانستان باید به معاش، ارتقا و ترفیع ماموران دولتی توجه شود. او گفت که در ده سال گذشته برای پاسپورت معاش داده شد، نه برای مهارت، زیرا کسانی که از اروپا میآمدند بیشترین معاش را میگرفتند.

سوال (تقرر و عزل کادرهای پاسپورت دار از صلاحیت دولت است یا نه؟)

گفتار جناب کرزی بیانگر عدم درک و ناتوانائی شان از مقام رهبری دولت بود.

در حالیکه مواد (۵ الی ۱۳) قانون اساسی و وظایف دولت و مواد (۶۰ بخصوص ماده ۶۴) وظایف و مکلفیتهای رئیس جمهور را مشخص و تثبیت نموده. باینکه جناب شان حقوقدان بودند، وظایف خویش را درک نکرده تا انجام دهد یا تمثیل نادانی میکردند و یا میخواهد این همه تخلفات و قانون شکنیها

که نظام و جامعه رابه سوی فساد ونا بودی کشانیده است بدوش دیگران (کشورهای خارج ومردم) به اندازد.

با این همه فسادیکه درادارات نظام کززی وجود داشت، باید درهمان مجلس تعهد میکرد و یا درآینده جهت بهبود اداره بهتروتحقق حاکمیت قانون، شکل وشویه های عملی نظارت از قانون وازین بردن قانونشکنی وعده میداد. (اما افسوس ...)

دروعض آقای عزیزالله لودین رئیس اداره عالی مبارزه با فساداداری چنین صحبت نمود: ... که یگانه راه برای محو فساد، اراده سیاسی برای مبارزه با این پدیده در سطوح بالای حکومت افغانستان می باشد. آقای لودین گفتند: به دلیل نبود اراده مبارزه با فساد، معافیت ومصونیت قضایی، ادارات مبارزه با فساد افغانستان به "شیرهای پی دندان" می مانند که تنها نظاره گرافساد هستند وعملاً کاری از دست شان بر نمی آید.

آقای لودین افزودند که: در حال حاضر چندین دوسیه فساد دراین اداره وجود دارد ولی نمیتوان این دوسیه ها را تعقیب وعاملان آن را مجازات کرد. به گفته لودین، فرهنگ معافیت به قانون نا نوشته ای تبدیل شده و راهبرد مبارزه با فساد را ناکام کرده

بیانات آقای لودین باآنکه ازحامیان خاص کززی میباشد وضع ناهنجارکشورواحساس مردم ووطن وواقیعت رابیان کردند که: (اراده مبارزه با فساد اداری درنظام نمیباشد)

لذا مطلب متذکره مبین ثبوت توضیحات فوق ما دردولت آن زمان افغانستان میباشد. مثال دیگر: به اساس گزارش آقای ملیار صادق خبرنگار تلویزیون خصوصی یک در کابل تهیه شده، رئیس جمهور کززی یکصدوده (۱۱۰) مشاور داشت که (۶۰) تن آنان "وزیر مشاور" بودند. در گزارش آمده که این افراد به عنوان مشاور رئیس جمهور کار میکردند بعضی از آنان طی یک سال حتی یک بار رئیس جمهور راملاقات نمیکردند.

معاش ماهوارهروزیرمشاورپنجهزاردالر امریکایی بود که مجموع معاش ومصارف شان سالانه به بیش ازشش میلیون دالر می رسید.

طبق گزارش درکنار (۶۰) وزیر مشاورپنچ مشاور دیگر دربخش عدلی وقضایی وپنچ تن دیگر دربرورد عالی تعینات ریاست جمهوری کارمیکردند

طبق گزارش ازجمله ۱۱۰ مشاور رئیس جمهور تنها، ده تن آنان در نشست ها و مشوره دهی به رئیس جمهورنقش همیشگی داشتند.مشاورین برعلاوه موتر، دو محافظ،سه کارمند خدماتی ومصارف روزانه ازجمله امتیازاتی دیگری بود که همه مشاوران ریاست جمهوری دریافت می کردند.حداقل به پنج تن از وزرای مشاور رئیس جمهور، درمنطقه شیرپورکابل نیزخانه داده شده است.

ازسوی دیگرساختمان های برای برخی ازمشاور وزیران درشش درک کابل ازسوی اداره امورماهانه ۱۲هزار دالر امریکایی به کرایه گرفته شده بود.درمیان (۱۱۰) مشاور ریاست جمهوری،جنرال سهیلا صدیق تنها خانم بود که به صفت وزیرمشاوردرامورصحی کار ارزشمند میکرد. این تحقیق نشان می دهد که رئیس جمهورکززی هیچ مشاوری درامور زنان نداشت.

محبوبه سراج درزمینه حقوق زنان گفت:" با وجود وعده هایی که رئیس جمهور کززی در رابطه به حقوق زنان وگسترش نقش زنان در جامعه داده، درعمل به ملاحظه نرسید.

او گفت: (من فکر می کنم به همین سبب شورای علما تصامیم برخلاف حقوق و آزادی ها زنان می گیرند و آقای کرزی هم از آن پشتیبانی می کرد.)

گزارش تحقیقی همچنان نشان می دهد که رئیس جمهور کرزی با داشتن (۱۱۰) مشاور بیشترین رقم مشاوران را در میان روسای جمهور جهان داشت. امام علی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان (۶) مشاور، محمود احمدی نژاد رییس جمهور ایران ۳۵ مشاور و آصف علی زرداری رییس جمهور پاکستان (۵) مشاور داشتند.

کاندیس راندوکس تحلیلگر ارشد گروه بین المللی بحران که از سال ها در افغانستان و کشور های منطقه کار میکند، میگوید که آقای کرزی بگونه نادرست با گزینش این مشاوران می خواست مشارکت سیاسی را به وجود آورد و کرزی موقف مشاوریت را به اعضای برخی از فامیل های قدرتمند، بزرگان قومی و رهبران سیاسی به گونه تحفه، هدیه داده و فکر میکرد که به این کار میتواند مشارکت سیاسی رابه وجود آورد و اظهار تاسف کرده و میگوید که این افراد بیکار در دفاتر شان نشسته اند، هزاران دالر معاش اخذ و در عین زمان با هم دشمنی و رقابت نیز میکردند.

کرزی با این عمل خویش نه تنها قانون تشکیلات اساسی دولت مصوبه پارلمان در (۱۳) عقرب سال ۱۳۸۵ هجری شمسی) که شمار مشاوران را (۹) تن تصویب نموده بود نقض کرد، صدمه بزرگ به بودجه دولت وارد نمود، که استفاده سئو اداری عامه بود .

طی دوران حکومت آقای کرزی جنایات ، تخلفات و تجاوزات متعدد به حقوق و آزادیهای مردم و سایر قانون شکنها صورت گرفته طور نمونه میتوان یاد آورد :

. تهداب نظام جدید با جنایت جنگی گذاشته شد که میتوان از قتل و کشتار بیش از هفت هزار انسان اسپر شده بنام طالب که از مناطق شمال افغانستان (کندز، بغلان سمنگان و سایر شهرها) دستگیر شدند. توسط سربازان و افسران قوای امریکائی و افغان در گرمائی تابستان بداخل کانتینرها بشکل غیر انسانی جابجا شده، در منطقه دشت لیلی ولایت جوزجان وحشیانه بقتل رسیدند و در گورهای دسته جمعی بالواسطه تراکتورها زیر خاک گردیدند .

. غصب و توزیع غیر عادلانه زمینهای منطقه شیرپورکابل که توسط رهبران و زورمندان دولت آقای کرزی صورت گرفته که یکی از نمونه های رشوه ستانی چور و چپاول میباشد. اکثر دولت مردان دولت کرزی قبلاً زنده گی عادی داشتند و به مشکل اعاشه و اباطه می کردند طی مدت زمانی کوتاه آنان صاحب قصرهای مدرن و سرمایه های عظیم گردیدند که همه از پول فساد در اداره اعمار شده.

. تداوم ترورهای سیاسی و عدم تعقیب قضایای ترورهای زنجیر. (وزیر فواید عامه ، وزیر هوانوردی، اعضای پارلمان در ولایت بغلان ، مسوولین زون شمال و پولیس ولایت تخار، رهبر تنظیم جمعیت اسلامی و صد ها ترور زنجیری ، و هزاران حوادث قتل و انفجارات در مرکز و ولایات کشور... گرچه با وقوع چنین جنایات جناب رئیس دولت با ابراز احساسات و ترحم حتا اشکریزی نموده وعده به مجازات نمودن مجرمین را داده و کمسیونها تعیین گردید اما بعد از طی چند روز و هفته قضیه ها فراموش گردیدند .

. عدم تعقیب جنگسالاران که مرتکب اعمال خلاف قانون میگرددند . غاصبین و چپاولگران زمینها و دارائیهای عامه و خصوصی .

. رهائی تعداد زیاد تروریستان طالب که مرتکب صدها قتل و جنایت ، تجاوز به حقوق اتباع کشور گردیده بودند. در آخرین روزهای قدرتش ابتداء با سیاستهای خاص و اوپراتیفی خویش در جهت رهائی بیشتر طالبان از محابس امریکائیها در کشور ما چنین گفت:

(بگرام کارخانه طالب سازی است). تحت همین شعار توانست بیش از (۶۵۰) طالب راکه در ترورها و جبهات جنگ مستقیم توسط نیروهای نظامی امریکا دستگیر شده بودند، رها نماید، اکثریت آن رها شده گان دوباره به جبهات طالبان پیوستند و علیه دولت میجنگند.

. عدم توجه و بررسی عاملین ترورهای زنجیری که توسط طالبان صورت میگرفت، چنانچه صدها کادرهای دولتی، سیاسی و قوماندان جهادی که علیه جنایات طالبان دست داشتند به شمول برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، توسط طالبان ترور شد. قرار اخبار نشر شده از سایت کابل پرس چند روز پس از ترور برهان الدین ربانی، طبق اظهار صریح حامد کرزی، برهان الدین ربانی در سفر بود و با اصرار کرزی، استاد ربانی سفر خود را نیمه تمام گذاشته و به کابل آمد. فردان تحاری درهماهنگی کامل با حلقاتی از ارگ ریاست جمهوری و افراد نزدیک کرزی در شورای عالی صلح قرارداد داشت. هر چند به احتمال زیاد ترور ربانی نتیجه یکبازی استخباراتی پیچیده است، نمیتوان نقش مهم حلقه حامد کرزی در ارگ را در این بازی نادیده گرفت. برخی از آگاهان ترور استاد ربانی را نمونه کاملی از همکاری طالبان نکتایی پوش و... میدانند.

. عدم پیگیری فرار (۵۴۷) زندانی که اکثریت آنرا طالبان تشکیل میداد، از محبس کندهار. قرار اسناد منتشر شده در قضیه فرار محبوسان، افراد وابسته به کرزی دست داشتند.

. داشتن ارتباط غیر مستقیم کرزی با کمیته طالبان در کویت و..

. تقریر تعداد قابل ملاحظه افرادی که در خدمت استخبارات پاکستان بودند، در ادارات ریاست جمهوری، حکومت به شمول بعضی وزرا و سایر ادارات دولت.

. بیتفاوتی در برابر قضایای عمده کشور که به نفع طالبان بود، طور مثال اظهار بیخبری از پیاده شدن قوای طالبان توسط طیارات در شمال کشور.

. عدم امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا، که مانع توسعه قدرت طالبان در آن مقطع زمانی میگردد، با آنکه لویه جرگه افغانستان که عالیترین مظهر اراده مردم افغانستان میباشد، فیصله نمود تا آن قرارداد مذکور امضا گردد، اما شخص کرزی در جهت منافع طالبان تصمیم لویه جرگه را نه پذیرفت و از امضای آن قرارداد ابا و ورزید. و در خدمت گذاریهای غیر مستقیم به نفع طالبان و سایر سازمانها کمک کننده آن. طبق اظهارات کارمندان دولت و مردم اکثراً باندهای تروریستی در داخل دستگاه حکومت فعال بوده با نظر داشت سوابق دوره به اصطلاح جهاد، با اضافت قدرت و صلاحیت، اختیارات و امکانات دولتی هر عملیکه میخواستند، انجام میدادند و یا جناح مخالف دولت که آنهم در داخل نظام فعال بود، مرتکب اعمال خلاف قانون گردیدند که میتوان از :

. رهائی و فرار دادن جنابکاران و تروریستان از زندانها بخصوص تروریستان طالب طور مثال فرار دادن بیش از (۵۴۷) نفر زندانی با حفر تقریباً ۳۲۰ متر صوف از داخل محبس به خارج محبس کندهار بتاریخ یازدهم اپریل سال (۲۰۱۱) میلادی.

. انفجار در مقابل دروازه زندان کندهار و فرار طالبان در سال (۲۰۰۸) میلادی

. فرار دادن زندانیان از محبس زندان فاریاب .

. فرار دادن طالبان از محبس پلچرخ کابل. به همین شکل از بعضی ولایات دیگر میتوان نام برد. چون در همه تاروپود دولت فساد بود که زمینه سازماندهی فعالیت های تروریستی از زندانها نیز صورت میگردد. قرار گذارش خبرنگاران در اکثر محابس نزد محبوسین که به اتهام ترور و غیره اعمال ضد دولتی در محبس به سر میبرند تلفونها جیبی یا موبایل که زمینه های تماس شان را با سایر اعضای گروه تامین مینماید، وجود دارد و هم جلب و جذب به گروههای ضد دولتی و سازماندهی جنایات بعضاً از داخل محابس و زندانها صورت میگردد.

. موجودیت سربازان خیالی و مکاتب خیالی

. ادامه کارلوی څارنوال ، رئیس ستره محکمه وچند تن اعضای کابینه که توسط شورای ملی مورد استیضاح قرار گرفتند. درپرنسپ فیصله های ستره محکمه و تصامیم لوی څارنوالی و وزرای مربوطه غیر قانونی بود. اما آقای کرزی بای اعتنائی برآن برخورد نموده که این عمل تخلف از قانون اساسی تخلف میباشد. چپاول دارائیهای عامه توسط زورمندان، دولتمردان و وابستگان شان مانند اختلاس کابل بانک و یاطبق توضیحات آقای یاسین عثمانی عضو کمیته مبارزه با فساد در قضیه اختلاس کمک (۴۲) ملیون دالرامریکا که جهت ترمیم شفاخانه سردار محمد داود خان اعطا شده بود معلوم نیست. مسئولین وزارت دفاع در آن متهم میباشند ، اما مسئولین وزارت دفاع حاضر به ارائه جواب نگردیدند. به همین شکل صدها موارد قانونشکنی و عدم رعایت قانون اساسی ، تخلفات از قانون وجود دارد نقش پارلمان یا قوه مقننه دولت کرزی در تطبیق و حاکمیت قانون :

شورای ملی یا پارلمان عالی ترین ارگان تقنینی و مظهر اراده مردم میباشد که از مردم نمایندگی می نماید. هر عضو شورا در موقع تصمیم گیری باید مصالح و منافع علیای مردم و کشور را در نظر گرفته و وظایف خویش را انجام دهند.

اعضای پارلمان پرنسپاً متشکل از افراد با سواد ، دانشمند ، مجرب و با تجربه که در بین مردم و جامعه از محبوبیت برخوردار باشند و توسط مردم در انتخابات شفاف عمومی ، آزاد ، سری و مستقیم انتخاب گردند. در آن صورت پارلمان مظهر اراده مردم میباشد و وظایف خویش را در مطابقت با قانون اساسی انجام میدهند .

وظایف و صلاحتهای شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان را مواد (۸۱ الی ۱۰۹) قانون اساسی تثبیت که طبق آن مجالس پارلمان باید وظایف خویش را انجام دهند. از جمله تصویب ، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی ، تصویب (پروگرامهای انکشافی اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و تکنالوژیکی و بودجه دولتی) ، اجازه اخذ یا اعطای قرضه ، ایجاد و یا لغو واحدهای اداری ، تأیید معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن و سایر صلاحیتهای مندرج قانون اساسی میباشد. تحقق این وظایف ضرورت به نماینده گان با فهم ، بادرک و واقعی مردم دارد.

افسوس که یکتعداد اعضای پارلمان (قوه مقننه) مانند کادر سایر بخشهای دولت در محیط جنگ تربیه و تعداد قابل ملاحظه شان بر علاوه یکه از تحصیلات لازم بی بهره بودند در بحرانها ، جنگها ، کشتار و جنایات نقش موثر داشتند. قابل تذکر است که عدم فهم ، دانش و تجربه لازم در برخورد با قضایای وظیفوی ، اخلاق و کلتور خشن و انطباط ناپذیر ، بی اعتنائی در انجام وظایف اکثرأ غیابت در جلسات که از نصاب قانونی برخوردار نمی باشد . حاکم بودن کلتور خشن در داخل پارلمان تا سرحد دشنام دادن تا به ناموس و برخورد های فزیک ، یکی از عوامل ناکامی پارلمان دولت کرزی بود که با چنین روحیه و اخلاق خشن از یک طرف وظایف اصلی و اساسی خویش را انجام نمیدهند و از جانب دیگر مناسبات و همکاری قانونی را با (حکومت و قضا) تامین نمی نمایند.

طور مثال آقای ملا عبدالسلام راکتی که به اصطلاح در دوران جهاد راکت در شانته داشت و با هدف قراردادن توسط راکت آرجی بی هفت و سلاحهای مختلف صدها هموطنما (عساکر ، صاحبمنصبان ، کارمند دولت و سایر موسسات) راتحت عناوین مختلف شهید نمودند ، به همین شکل تعداد قابل ملاحظه و کلام محترم با داشتن چنین تربیه و اخلاق که از سواد لازم برخوردار نبودند وظایف شان که در مواد فوق الذکر قانون اساسی تسجیل یافته و شامل پیشنهادات معضلات سیاسی ، تخنیک ، اجتماعی ، فرهنگ ، اقتصادی ، مدنی و غیره میباشد بکدام شکل انجام دادند ؟

هرگاه نشرات تلویزیونها را بدقت مشاهده فرمائید یکتعداد ازوکلاهی محترم در هنگام جلسات پارلمانی درکرسی های خویش به خواب غفلت فرورفته اند و تعداد قابل ملاحظه اعضای مانند رهبران تنظیمها، جنگسالاران ویا آنانیکه پشتوانه تنظیمی ویا قدرت دارند بصورت متواتر در وظایف خویش (جلسات شورای ملی) حضورنداشتند. گرچه چندین بار لست وکلای غیرحاضرشورای ملی درمطبوعات کشورنیزبه نشررسیده اما با عدم درک ازمسئولیتهای سپرده شده درانجام وظایف خویش اعتنا نکرده و پابند نبودند.

بهمین شکل دهها عضو دیگر مجالس ولسی جرگه و مشرانو جرگه، فعلاً آنان با استفاده از ظلم، قدرت، پول و سایر امکانات دولتی بحیث اعضای پارلمان (خود را انتخاب) نمودند و مانند حکومت سیستم مافیائی را وسعت بخشیدند. چنانچه در مصاحبه مطبوعاتی که بتاريخ (۱۷ جنوری سال ۲۰۱۳ میلادی) از طریق تلویزیون طلوع پخش گردید، اشتراک کننده گان: خانم وژمه صافی، آقای همایون (همایون) و آقای فرهاد مجیدی اعضای مجلس نمایندگان، آقای سرور جوادی و آقای جان داد سپین غر رئیس نهاد (فیفا) شرکت نموده بودند ضمن تبصره درباره برخورد فزیکتی روز (۱۵ جنوری سال ۲۰۱۳ م) در داخل پارلمان، خانم وژمه گفت: که در داخل پارلمان مافیا وجود دارد که از وزرا باجگیری مینمایند. که این باجگیری شامل قراردادهای، تقرر و نصب دوستان و نزدیکان شان در ادارات و موسسات میباشد و همیشه قانون از طرف حکومت پایمال میگردد. آقای همایون (همایون) ضمن توضیحات و انتقاد از گروه ها در پارلمان گفت که:

لت وکوب در پارلمانها مطلب عادی است. این گفتار آقای همایون مبین این ادعا است که: (واقعاً تعداد قابل ملاحظه اعضای مجالس تربیه و اخلاق خشن دوران جنگ را دارند)

آقای مجیدی ضمن توضیح علل پرخاش و زخمی شدنش، اضافه نمود که روحیه خشونت، توهین و دشنام در پارلمان حاکم میباشد در اندک ترین اختلاف نظر در جلسات، ادامه جلسه با دشنام دادن به یکدیگر ادامه ویا خاتمه مییابد.

طبق توضیحات آقای همایون، آقای ابراهیمی رئیس پارلمان و آقای لالی نماینده مردم کندهار با دشنامها به ناموس یکدیگر فضای جلسه را مکدروبه جنگ فزیکتی خاتمه یافت.

اما صحبت آقای سرور جوادی جوان روشن، با استدلال و منطقی روی مطالب صحبت کرد و فرمودند که: «مردم هم در زمینه انتخاب وکلای خویش مسئولیت دارند، چرابه چنین اشخاصی رای میدهند که سوابق و اخلاق خوب ندارند و اضافه نمودند که: با تعیین چنین وکلا و حکومت سرنوشت جامعه افغانستان دریا تلاق افتاده است و اظهار تاسف نمود که باید مردم، نهاد های ملی و مدنی در تفاهم و همدیگر با گذشت و برده باری جهت رفاه عامه کار و فعالیت نمایند.»

با نگاه مختصر در مورد پارلمان و عملکردهای آن و جوسیاسی کشور به این نتیجه میرسیم که پارلمان دولت افغانستان با موجودیت اکثریت قابل ملاحظه وکلا که مزین با سوابق فوق الذکر میباشد، نه تنها که در جهت حاکمیت قانون مصدر خدمت به مردم و وطن نگردیده اند خود در ایجاد فساد و قانون شکنی نقش مهم را بازی نموده اند.

اما باید یادآور شد که در هر دو مجلس پارلمان یکتعداد وکلای با احساس و جوانان رسالتمند با دانش، وطن پرست و آینده ساز وطن انتخاب و انتصاب شده اند گرچه فعلاً در اقلیت قرار دارند ولی ما به آینده پرسعادت آنان امیدواریم.

قوه قضائیه (قضا) : قوه قضائیه نقش اساسی در رعایت، نظارت، تحکیم حاکمیت قانون و تامین عدالت در نظام دموکراتیک دارد و قوه قضائیه باید از استقلال لازم برخوردار باشد. استقلال و بیطرفی قضات در بررسی قضایا سبب تامین عدالت و صدور حکم عادلانه می گردد. عدم استقلال قضا به معنی فقدان دموکراسی بوده و وابستگی قوه قضائیه به حکومت، سبب تمرکز قدرت گردیده و در نتیجه تهدیدی بر حقوق و آزادیهای اتباع در جامعه میگردد.

با تطبیق قانون توسط قوه قضائیه از یکطرف عدالت تامین و حاکمیت قانون در جامعه تطبیق میگردد از جانب دیگر افراد جامعه به شمول قانون گریزان، متخلفین و مجرمین متکرر یا ترس از حاکمیت قانون و پیگرد قانونی، اقدام به اعمال خلاف قانون نه ورزیده، باترس از آینده، مجبور میگردند تا با رعایت از قانون تن در دهند و زمینه های حاکمیت قانون و فرهنگ قانون پذیری در جامعه حکمفرما میگردد.

طی سالهای دولت کرزی گرچه قوه قضائیه از نظر شکلی یا طبق قانون اساسی در روند دموکراتیک و استقلال قرار داده شد اما عملاً مانند دوقوه دیگر دولت آغشته با نواقص، قانون شکنی و فساد بود. بر علاوه اینکه استقلال خویش را نتوانسته حفظ نماید، تحت تاثیر حکومت قرار داشت. چنانچه جناب کرزی و همکارانش اکثراً کوشش نموده اند تا اعمال خلاف قانونی خویش را در لحاف تصامیم و فیصله های قوه قضائیه بپوشانند. مثالهای متعدد در زمینه از اختلاسها، رهایی مجرمین، معضلات انتخاباتی، ایجاد محاکم بی نتیجه و بی اثر و... وجود دارد.

چون جناب رئیس جمهور در ریستهای کلیدی، دوستان یا حلقه زنجیری خویش و متحدان کسب قدرت را بدون شایسته سالاری نصب نموده بود به ندرت اعمال خلاف قانون آنان را مورد بازرسی قرار میداد. نمیتوان چشم پوشی نمود که در قوه قضائیه کشور کار صورت نگرفت، چراکه قضات پاک نفس، با ایمان، صادق با تجربه و کادرهای جوان که آینده سازان کشور میباشند وجود دارد که با درک احساس از معضلات و پروبلمهای سه دهه اخیر کشور، با وجدان پاک تصامیم قضائی را گرفته و میگیرند. اما تعداد شان محدود بود. جامعه جهانی جهت برطرف نمودن فساد مزمن اداری در کشور که توسط دولت مردان نازل شده، سعی و تلاش نمود تا ارگان قضائی افغانستان را تحت پوشش کمکهای تعلیمی، تربیتی، تخنیکی و مالی که دولت ایتالیا متضمن آن بود، قرارداد. اما موفقیت های لازم بدست نیامده چرا که بیشترین فساد اداری، حق تلفی، رشوه ستانی در ارگان های قضایی کشور وجود داشت. نسبت عدم موجودیت کادرهای مسلکی، یکتعداد قضات فاقد تعلیمات حقوقی و نبود تجربه قضائی، داشتن تعلیمات خصوصی، تجربه جنگ و خشونت (زمانیکه وظیفه قضاوت را در جبهات به اصطلاح دوره جهاد انجام میدادند هزاران هموطنان بیگناه ما را تحت عناوین مختلف بدون دلیل و الزام با بیرحمی بقتل رسانیدند و یا به اتهام عدم تادیه پول، جزیه و جریمه مجازات نمودند فعلاً با همان روحیه خشونت و زور در میسند قضا قضاوت مینمائید. چنانچه آقای محترم عظیمی قاضی القضاة کشور ضمن مصاحبه ای فرمودند که: (بیش از چهل درصد کارمندان محاکم فاقد تعلیمات حقوقی، تجربه قضایی، تحصیلات مسلکی و شایستگی می باشند).

در حالیکه طبق فقره ۲ ماده ۱۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان: تقرر، تبدل، ترفیع، مواخذه و پیشنهاد قضات مطابق احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه میباشد. پس سوالات بیشتر درباره بیعدالتی، بی انصافی و عدم حاکمیت قانون در نظام وجود دارد که چرا مسئول قوه قضائیه با داشتن صلاحیت قانونی مبنی بر رفع فساد در اداره که شامل تقرر و عزل قضات بیسواد و استفاده جو میباشند اقدام نمی نماید و مانند آقای کرزی و سایر رهبران دولت از فساد در ادارات خود ایجاد نموده، نالیدن و فغان شان قضائی کشورهای جهان را مکرر نموده بود. در این صورت فساد اداری، حق تلفی، خیانت و رشوه ستانی در ادارات قضایی یک امر عادی بوده و ثبوت عدم حاکمیت قانون میباشد.

مثال دیگر محترم آقای حسینی یکی از تحلیلگران مسائل افغانستان درباره قوه قضائیه چنین تحریر داشتند: (من فکر میکنم که بررسی رویکردهای مربوط به قوه قضائیه افغانستان شامل تمام نظام دولت میباشد یعنی در مجموع دولت افغانستان همانطور که در سال (۱۳۸۹) هجری شمسی چندان پیشرفت، توفیق و دستاوردهای اثربخش در سطح ملی و بین المللی نداشت در ارگان قوه قضائیه نیز چندان دستاورد قابل ملاحظه ندارد.

چند مسئله رامیتوان بصورت شاخص در نظر گرفت که تقریباً استقلال قوه قضائیه را خدشه دار نمود: اولاً اینکه قوه قضائیه در ادامه عملکردهای سالهای گذشته بیشتر با حکومت نزدیک بوده و اکثراً تلاش نموده تا در مسیر اجراءات حکومت عمل کند.

ثانیاً اینکه قوه قضائیه استقلال خویش را بصورت مستقل پیش نه برده اکثر اوقات بصورت خواسته یا ناخواسته در امور سیاسی کشور مداخله نموده است مثلاً در مورد مسایل مربوط به تفسیر مواد قانون مربوط به رویکردهای پارلمان یا ایجاد محاکم اختصاصی در مورد انتخابات و مسائل دیگر، نزدیکی بیش از حد قوه قضائیه یا پیروی از دیکته های حکومت، فساد گسترده اداری را در ساحه قوه قضائیه و مداخله کردن قوه قضائیه در امور سیاسی، عواملی اند که بر استقلال و توانمندی قوه قضائیه افغانستان ضربه وارد کرده که این امر در سال (۱۳۸۹) هجری شمسی کاملاً مشهود بوده. پس همانطوری که ما یک حکومت توانمند و با ظرفیت و کارآمد نداریم، یک پارلمان قابل اعتماد و فارغ از بحرانها و چالشها را نداریم، یک قوه قضائیه توانمند و مستقل را هم متأسفانه نداریم.

محترم ناصح استاد حقوق پوهنتون کابل در مورد عملکرد قوه قضائیه کشور با محترم حسینی هم نظر میباشند.

جناب رئیس محکمه نظامی ضمن صحبتی گفتند که میزان جرایم و تخطی از قانون در نهاد های نظامی چند برابر افزایش یافته است.

همچنان رئیس عمومی محکمه استیناف نظامی علاوه نمودند که در سال جاری بیش از (۹۰۰) دوسیه جرایم و تخطی از قانون به این اداره رسیده است. طبق اظهار آن مقام، متهمان شامل مقامات عالیرتبه ای چون جنرالان، فرماندهان نظامی، روسای ادارات امنیت بعضی ولایات و مسئولان برخی زندانها میباشد. تجاوز جنسی، دزدی های مسلحانه، سوء استفاده از وظیفه دولتی و یاسهل انگاری در اجرای وظایف، (خیانت به کشور) و فرار دادن زندانیان، از جمله اتهاماتیست که به برخی مسئولان ارشد نظامی در افغانستان نسبت داده شده است.

رئیس عمومی دادگاه استیناف نظامی اضافه کرد که در برخی از این دوسیه های جرمی، مقامات در سطوح عالی از جمله ژنرالها و فرماندهان پولیس در برخی از ولایات متهم به ارتکاب جرایم هستند. مثال دیگر از فساد و سوء استفاده در محاکم میتوان از قضیه خانم ... در محکمه شهر جلال آباد میباشد که بتاریخ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ م) توسط رادیو وسایت انترنتی (بی. بی. سی) پخش و نشر گردید میباشد که قاضی سالخورده از خانم جوان ... در مقابل انجام کارش تقاضای ازدواج را نمود که همه ثبت نوار شده و نشر گردید.

مثال دیگر: در بعضی واقعات تجاوز به زنان، اطفال و نوجوانان توسط جنگسالاران و زورمندان، متجاوزین آزاد ولی مظلوم یا شخصیکه بالایش تجاوز صورت گرفته محکوم به حبس گردیده اند. طبق گزارشگر رادیو از ولایت فاریاب در طول سال (۲۰۱۲ م) بیش از (۱۵۰) واقعه تجاوز و خشونت علیه زنان در آن ولایت ثبت گردیده است طور نمونه خانم ... که مورد تجاوز زورمندان آن ولایت قرار گرفت موصوفه به اتهام زنا محکوم به حبس گردید و با طفل خورد سالش به محبس اعزام گردید و زندانی میباشد. به همین شکل خانم ... در آن ولایت مورد تجاوز قرار گرفته و قربانی فساد در اداره قضا گردیده است. جوانان و اطفال اکثراً توسط محاکم مربوطه به اتهام تن دادن به سکس مورد تعقیب عدلی قرار گرفت و متجاوزین زورمند و پولدار آزادانه به جنایات و مظالم خویش ادامه داده و میدهند.

سازمان دیدبان حقوق بشر ضمن تحقیق و بررسی عدم رعایت قانون، تجاوز و خشونت علیه نوجوانان و کودکان از شیوه برخورد نهادهای قضایی با کودکان قربانی تجاوز جنسی در افغانستان انتقاد نموده و از دولت افغانستان خواسته که در قانون جزا و همچنان نحوه برخورد پلیس و نهادهای قضایی با پرونده های جرایم اخلاقی اصلاحاتی به میان بیاورد. بر علاوه از دولت خواست که به جای محاکمه اطفال

ونوجوانیکه که مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند، عاملان تجاوز به آنان را تحت پیگرد قانون قرار دهد.

مثالهای فوق نمونه از صدها سئواستفاده و فساد در قوه قضائیه کشوری بود که چگونه مردم و از جمله زنان در نظام قضایی افغانستان به عدالت دست نمی یابند. چون فساد در دولت کرسی قوس صعودی را پیموده و به اثربلند شدن شکایات مردم از طروق مختلف و فشار جامعه جهانی رهبری دولت مجبور شد تا مجرمین را مجازات نماید. چنانچه از جمله هزاران جنایتکار، چلو صاف فساد در اداره قضا به اتهام قتل، تجاوز جنسی و آدم ربایی (۲۶۰) تن به اعدام محکوم شده اند بتاريخ ۳۰ عقرب سال قبل حکم اعدام ۱۲ نفر آن را رئیس جمهور منظور نمود. و امکان دارد که پیش از تطبیق حکم یک تعداد آن عفو و یا فرار نمایند. بانظر داشت مطالب فوق میتوان گفت که در دوره حکومت انتقالی و ریاست جمهوری حامد کرسی نسبت عوامل و دلایل متعدد داخلی و خارجی به ندرت از حاکمیت و رعایت قانون یاد آور شد چرا که با نظر داشت شکلگیری، ایجاد حکومت، کادرهای دولت و کنار آمدن با خاطر کسب و نگهداشت قدرت :

(اراده رعایت قانون، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری در نظام وجود نداشت)

گرچه در موقفگیریها، صحبتها، استقلال طلبی، شکل و برخورد جناب کرسی با حوادث و قضایای (با اشاره مخصوص چشم شوردادن خاص) وعده میداد ولی عملاً در تحقق و تطبیق قانون نظریه دلایل فوق کمتر توجه داشت. نظریه دوره های مجاهدین و طالبان تا حدودی در حصه استقلال و حاکمیت ملی در کشور تا حدودی تغییر ملاحظه میرسد .